



چکیده.....	۵
مقدمه.....	۱۳
<b>فصل اول: مفاهیم و مبانی تحقیق</b> .....	<b>۱۵</b>
۱-۱- بررسی اسلامی خانواده.....	۱۶
۱-۲- مفهوم کودک.....	۱۶
۱-۳- تاریخچه حمایت از کودکان بی سرپرست.....	۱۷
۱-۳-۱- تاریخچه حمایت از کودکان بی سرپرست در اسناد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه.....	۱۹
۱-۳-۲- تاریخچه حمایت از کودکان بی سرپرست در ایران.....	۲۰
۱-۴- تعاریف و اصطلاحات مربوط به کودکان بی سرپرست.....	۲۲
۱-۴-۱- کودکان بی سرپرست.....	۲۲
۱-۴-۲- خانواده بی سرپرست.....	۲۲
۱-۴-۳- فرزندخواندگی.....	۲۳
۱-۵- محل نگهداری کودکان بی سرپرست.....	۲۳
۱-۵-۱- شبانه روزی.....	۲۳
۱-۵-۲- خوابگاه.....	۲۳
۱-۵-۳- پرورشگاه.....	۲۳
۱-۵-۴- مهد کودک.....	۲۳
۱-۵-۵- کانون اصلاح و تربیت.....	۲۳
۱-۵-۶- خانه شبانه روزی، شبه خانواده.....	۲۴
۱-۵-۷- شیرخوارگاه.....	۲۴
۱-۵-۸- خانه نوباوگان.....	۲۴
۱-۵-۹- شبانه روزی مجتمع خدمات حمایتی.....	۲۴
۱-۵-۱۰- شبانه روزی مستقل.....	۲۴

۲۵	۱-۶-۱- روندها و گرایش‌ها.....
۲۷	۱-۶-۱- کودکان بدسرپرست.....
۲۹	۱-۶-۲- کودکان بی‌سرپرست.....
۳۰	۱-۶-۳- زن بی‌سرپرست.....
۳۱	۱-۶-۴- زن بدسرپرست و بدون پشتوانه.....
۳۲	۱-۶-۵- زن خودسرپرست.....
۳۴	۱-۶-۶- زن سرپرست خانوار.....
۳۵	۱-۷- اشخاص بی‌سرپرست که از حمایت دولت برخوردارند.....
۳۶	۱-۷-۱- افرادی که در معرض آسیب‌های اجتماعی هستند.....
۳۸	۱-۸- تعریف اسناد بین‌المللی حقوق بشر.....
۳۹	۱-۱۱- حقوق بشر.....
۳۹	۱-۱۱-۱- حقوق بشر زنان.....

## فصل دوم: حمایت از زنان و کودکان بی‌سرپرست در حقوق ایران..... ۴۲

۴۳	۲-۱- اصول حمایتی از حقوق کودک.....
۴۴	۲-۲- شیوه‌های حمایت از حقوق کودک.....
۴۵	۲-۲-۱- حمایت از زندگی کودک.....
۴۵	۲-۲-۱-۱- حمایت‌های خانوادگی.....
۴۶	الف: نگهداری و تربیت کودک (حضانت).....
۴۷	ب) اداره امور کودک (ولایت و قیمومت).....
۴۸	۲-۲-۱-۲- حمایت‌های اجتماعی از کودکان.....
۴۸	الف: تأمین اجتماعی کودکان.....
۴۸	ب: حمایت‌های آموزشی و فرهنگی کودکان.....
۴۹	سوم: حمایت از حقوق کیفری کودکان.....
۵۰	الف: سن مسئولیت کیفری کودکان.....
۵۰	ب: دادگاه صالح رسیدگی به جرائم کودکان بزهکار و نقد انحلال آن.....
۵۱	ج: ایجاد مراکز اصلاح و تربیت کودکان.....

۵۲	د : حدود مسئولیت کیفری کودکان.....
۵۲	۲-۲-۲- حمایت از کودکان نیازمند مراقبت‌های ویژه.....
۵۲	اول: کودکان نامشروع.....
۵۳	۱) همبستگی اعضای جامعه انسانی در حمایت از کودکان طبیعی.....
۵۴	ب : کودک نامشروع در حقوق داخلی.....
۵۵	۲) کودکان فرزند خوانده.....
۵۵	الف) بحث فرزندخواندگی در حقوق بین‌الملل.....
۵۶	ب : فرزندخواندگی در حقوق داخلی.....
۵۶	۲-۳- شرایط پذیرش کودک برای سرپرستی.....
۵۶	۱-۲-۳- قانونگذاری.....
۵۷	۲-۳-۲- ضوابط صدور حکم سرپرستی.....
۵۷	۳-۲-۳- آثار مترتب بر حکم سرپرستی.....
۵۸	۴-۲-۳- صلح بلاعوض.....
۵۸	۴-۲- حمایت از حقوق شخصی کودک.....
۵۸	۱-۲-۴- حق کودک در برخورداری از هویت.....
۵۹	۱-۱-۲-۴- نام و هویت شخصی کودک.....
۵۹	۲-۱-۲-۴- ملیت و تابعیت کودک.....
۶۰	۳-۱-۲-۴- حق کودک در داشتن آزادی عقیده و بیان و تشکّل.....
۶۱	۴-۱-۲-۴- حقوق کار کودک.....
۶۲	۵-۲- حمایت راهبردی از زنان و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست.....
	۱-۲-۵- قانون اساسی و اصول بنیادین مندرج در آن در جهت حمایت از زنان بی‌سرپرست و بد
۶۳	سرپرست.....
۶۴	۱-۱-۲-۵- رفع فقر و محرومیت.....
۶۴	۲-۱-۲-۵- حمایت از زنان و کودکان بی‌سرپرست.....
۶۵	۳-۱-۲-۵- برخورداری از تأمین اجتماعی برای همه.....
۶۶	۴-۱-۲-۵- فراهم‌آوردن مسکن برای همه.....
۶۶	الف- داشتن مسکن حق هر فرد و خانواده ایرانی است.....

- ب- افراد نیازمندتر به ویژه روستائینان و کارگران در اولویت قرار دارند..... ۶۶
- ۵-۱-۵-۲- قوانین عادی در حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۲..... ۶۶
- ۶-۱-۵-۲- چالش‌های بزرگ قانونی برای حمایت کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۲..... ۶۸
- ۷-۱-۵-۲- برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و حمایت از زنان و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست..... ۶۸
- ۸-۱-۵-۲- برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی..... ۶۹
- ۹-۱-۵-۲- تأمین اجتماعی و یارانه‌ها..... ۷۰
- ۱۰-۱-۵-۲- خدمات بیمه‌ای همگانی و مکمل..... ۷۰
- ۱۱-۱-۵-۲- حمایت‌های غیربیمه‌ای..... ۷۱
- ۱۲-۱-۵-۲- پرداخت وام‌های کم بهره..... ۷۱
- ۱۳-۱-۵-۲- برنامه چهارم توسعه اقتصادی..... ۷۲
- ۱۴-۱-۵-۲- ارتقای سلامت افراد آسیب‌پذیر..... ۷۳
- ۱۵-۱-۵-۲- عدالت اجتماعی و ارتقای امنیت انسانی..... ۷۴
- ۱۶-۱-۵-۲- برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی..... ۷۴
- ۱۷-۱-۵-۲- گسترش دادن نظام جامع تأمین اجتماعی..... ۷۵
- ۱۸-۱-۵-۲- تعیین خط فقر و تبیین برنامه‌های توانمندسازی متناسب..... ۷۵
- ۱۹-۱-۵-۲- ارتقای مشارکت نهادهای غیردولتی در برنامه‌های فقرزدایی..... ۷۷
- ۲۰-۱-۵-۲- تأمین بیمه خاص زنان سرپرست خانوار..... ۷۷
- ۲۱-۱-۵-۲- برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی..... ۷۸
- ۲۲-۱-۵-۲- قانون تأمین اجتماعی و قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی..... ۷۹
- ۲۳-۱-۵-۲- بیمه..... ۷۹
- ۶-۲- ابعاد حمایتی و توانبخشی..... ۸۰
- ۱-۶-۲- امداد..... ۸۰
- ۲-۶-۲- حقوق و مسئولیت زنان در جمهوری اسلامی ایران..... ۸۱
- ۳-۶-۲- برخورداری از حمایت‌های لازم در زمان طلاق زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست..... ۸۲
- ۴-۶-۲- حقوق راجع به سلامت جسمی و روانی..... ۸۲
- ۵-۶-۲- حقوق فرهنگی..... ۸۳

۸۴	۶-۶-۲-تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن.....
۸۴	۶-۶-۲- برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) ماده ۲-ت- موضوعات خاص کلان فرابخشی در مورد بهبود محیط کسب و کار، اشتغال، فضای مجازی.....
۸۵	۶-۶-۲- ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم.....
۸۸	۸-۶-۲-۱- امور اقتصادی.....
۸۸	۸-۶-۲-۲- امور فناوری اطلاعات و ارتباطات.....
۸۸	۸-۶-۲-۳- امور اجتماعی.....
۸۸	۸-۶-۲-۴- امور دفاعی و امنیتی.....
۸۹	۸-۶-۲-۵- امور سیاست خارجی.....
۸۹	۸-۶-۲-۶- امور حقوقی و قضایی.....
۸۹	۸-۶-۲-۷- امور فرهنگی.....
۸۹	۸-۶-۲-۹- امور علم، فناوری و نوآوری.....

### فصل سوم: کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشری و حقوق بشردوستانه..... ۹۰

۹۱	۱-۳- اسناد بین‌المللی حقوق بشر.....
۹۲	۱-۱-۳- معرفی اجمالی اسناد بین‌المللی حقوق بشر.....
۹۲	۱-۱-۱-۳- منشور ملل متحد (۱۹۴۵).....
۹۲	۱-۱-۲-۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸).....
۹۳	۱-۱-۳-۳- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶).....
۹۳	۱-۱-۴-۳- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶).....
۹۳	۱-۱-۵-۳- پروتکل اول اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.....
۹۴	۱-۱-۶-۳- دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۸۹).....
۹۴	۱-۱-۷-۳- کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی (ژنوساید) (۱۹۴۸).....
۹۴	۱-۱-۸-۳- کنوانسیون بین‌المللی محو هر نوع تبعیض نژادی (۱۹۶۵).....
۹۴	۱-۱-۹-۳- کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جرم نژاد پرستی (آپارتاید) (۱۹۷۳).....

۱۰-۱-۱-۳- کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر آمیز (۱۹۸۴)	۹۵
۱۱-۱-۱-۳- کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)	۹۵
۱۲-۱-۱-۳- کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)	۹۶
۱۳-۱-۱-۳- اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۶۷)	۹۶
۲-۳- جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین المللی حقوق بشر	۹۶
۱-۲-۳- تبعیض جنسیتی و خشونت زنان و بررسی کنوانسیون پیمان زنان و اعلامیه محو خشونت علیه زنان	۹۶
۳-۳- حمایت از برخی طبقات افراد (حمایت از زنان)	۹۷
۴-۳- حقوق زنان در ایران و بررسی آن در کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان	۹۸
۱-۴-۳- حقوق سیاسی، اجتماعی زن و تحلیل آن در ایران و کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان	۹۸
۲-۴-۳- قضاوت زنان	۹۹
۳-۴-۳- ملیت زنان و بررسی آن در ایران و کنوانسیون	۹۹
۴-۴-۳- حجاب و بررسی آن در ایران و کنوانسیون	۹۹
۵-۴-۳- خانواده و کنوانسیون	۱۰۱
۶-۴-۳- ریاست خانواده و بررسی حقوق زن	۱۰۲
۷-۴-۳- مالی زن و گرفتن اجرت	۱۰۵
۸-۴-۳- اشتغال زنان	۱۰۶
نتیجه گیری	۱۰۸
پیشنهاد	۱۱۱
<b>منابع و مآخذ</b>	<b>۱۱۲</b>
الف) کتاب ها	۱۱۲
ب) مقالات	۱۱۴
ج) پایان نامه	۱۱۴

پدیده بی سرپرستی به معنای جامعه شناختی و روان شناختی در همه کشورها به صورت یک بحران بزرگ اجتماعی، ساختارهای اجتماعی جامعه را تهدید میکند؛ زیرا افراد بی سرپرست در اثر عدم حمایت خانواده و جامعه به مفاسد اجتماعی گرایش پیدا می‌کنند. بی سرپرستی معضلی است که از زمان‌های قدیم وجود داشته و از پدیده‌های غمناک جامعه بشری است و در هر مقطع و دوره زمانی، بنا به رسوم، فرهنگ، اعتقادات مردم و دستگاه حکومتی با این پدیده برخورد متفاوتی شده است. آنچه مسلم است با وجود باورها و فرهنگ‌های مختلف همواره سعی بر حمایت بی سرپرستان وجود داشته و تنها تفاوت در نوع و میزان حمایت می‌باشد. در کشورهای پیشرفته پدیده بی سرپرستی در ارتباط مستقیم با بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه بوده و تغییرات اساسی در نظام‌های اجتماعی و خانوادگی موجب پدیدار شدن ارزش‌های تازه‌ای گردیده که رفتارهای فردی و اجتماعی در اثر عوامل متعدد تغییر نموده و نقش نهادهای فرهنگی و مذهبی در حیات اجتماعی کاهش یافته و رشته‌های پیوند و پایداری نهاد خانواده کمرنگ گردیده است. علیرغم تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تأکید بر جلوگیری از استثمار زنان و انجام اقدامات مناسب برای تضمین توسعه و پیشرفت زنان در همه زمینه‌ها و بهره‌مندی آنان از حقوق بشر، کم نیستند زنانی که در کشورهای جهان، در اثر فقر و به منظور امرار معاش خود و یا فرزندان‌شان به روسپیگری مشغولند، یا خرید و فروش می‌شوند و در حمل و نقل مواد مخدر و ... استثمار می‌شوند. مسئله حمایت از زنان و کودکان بی سرپرست نه تنها در کشورهای اروپایی بلکه در کشور ایران نیز از سابقه طولانی برخوردار است. مسئله بی سرپرستی یکی از مسائل اجتماعی و بهزیستی کشور است زنان سرپرست خانوار به عنوان قشر آسیب پذیر جامعه در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی قرار دارند. این زنان به علت تعدد نقشهایی که بر عهده‌ی آنهاست،

فشارهای زیادی را در کانون خانواده تجربه میکنند. زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب پذیر هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت، اعتیاد همسر، از کارافتادگی همسر و رها شدن توسط مردان مهاجر یا بی مبالات، موجب آسیب پذیری این طیف وسیع از جامعه می‌شود. این کتاب به منظور بررسی حمایت از حقوق زنان و کودکان بی سرپرست در ایران در پرتو اسناد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه انجام خواهد گرفت. یافته‌های علمی گواه آن است که زنان و کودکان بی سرپرست بخش مهمی از شهروندان کشور را تشکیل می‌دهند. آنها علاوه بر مشکلات اقتصادی از مشکلات اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و ... نیز رنج می‌برند و خطرات زیادی آنها را تهدید میکند. بنا بر آمارهای موجود در ایران تعداد زنان و کودکان بی سرپرست روندی افزایشی داشته و درصد بسیاری از جمعیت را تشکیل داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهای پیشرویی است که بر اساس سنت الهی اکرام ایتمام در سند استراتژیک قانون اساسی به این امر توجه نموده و سازمانی اختصاصی برای حمایت از کودکان بی سرپرست تأسیس کرده است. به نظر می‌رسد در طی سالیان اخیر وضعیت رسیدگی به ایتمام و کودکان بی سرپرست و بد سرپرست در کشور روند رو به رشدی را سپری نموده و اگرچه اقدامات صورت گرفته ارزشمند و مثبت قلمداد می‌شود، اما ضعف‌ها و کاستی‌های موجود نیز نیازمند حرکت جمعی ملت و تلاش مضاعف دستگاه‌های اجرایی است. در ایران نیز در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی با هماهنگی و مشارکت جامعه مدنی و نهادهای عدالت کیفری، حمایت‌هایی گرچه ناکافی از زنان بزه دیده بعمل می‌آید که در این کتاب مورد بررسی قرار خواهند گرفت. با توجه به مباحث مطروحه محقق در این کتاب سعی دارد به بررسی هرچه بیشتر موضوع بپردازد تا سوالات و ابهامات پیرامون آن را برطرف سازد.



فصل اول:

مفاهيم و مباني تحقيق



## ۱-۱- بررسی اسلامی خانواده

در مجموعه توصیه‌ها و احکام شریعت به موضوع خانواده توجه ویژه شده و به منظور استحکام و استمرار این نهاد و نیز رعایت حقوق و مصالح اعضای آن با ایجاد ساختار خاص روابط میان اعضا تعریف و تنظیم شده است نکته قابل توجه این است که در یک سو این دستورات یکسری جنبه حقوقی ندارند بلکه به لحاظ ماهیت و ظرافت موضوع بسیاری از آنها دستورالعمل‌های اخلاقی اند مانند: مهربانی کردن، احترام نمودن، نصیحت کردن، چشم پوشی کردن از خطاها و لغزش‌ها، سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان دینی در برخورد با فرزندان و به طور کلی کودکان و اعضای خانواده تأکید فراوان آنها و خوش خلقی و برحذر داشتن از بداخلاقی به خوبی نشان دهنده این جهت‌گیری است از سویی دیگر برجسته بودن جایگاه خانواده و اهمیت حفظ هویت آن سبب شده که حمایت از حقوق کودکان بیشتر در چارچوب خانواده مطرح شد و در نتیجه مجموعه‌ی حقوقی کودکان با حقوق فرزندان دارای اشتراکات فراوان و گاه در هم تنیده باشد استیفای حقوق و نیز مسئولیت حقوقی و کیفری و به تعبیر دیگر پایان یافتن کودکی در امور گوناگون متفاوت است. مثلاً برای تملک بلاعوض مانند قبول هبه ممیز بودن کودک کفایت درباره‌ی مسئولیت حقوقی و کیفری و نیز حق اداره امور غیر مالی خویش پایان کودکی با رسیدن به سن بلوغ در قانون و برای تصرف در اموال خود با اثبات رشد و بلوغ تحقق می‌یابد. برای انعقاد عقد نکاح دختران ۱۳ تمام سال شمسی و پسران ۱۵ سال تمام شمسی و در سنین پایین تر اذن ولی و تشخیص دادگاه لازم است.<sup>۱</sup>

## ۱-۲- مفهوم کودک

کودک، به معنای انسان کم سنی است که هنوز بزرگ و بالغ نشده است. واژه‌ی بچه بیشتر به همین معنا به کار می‌رود. واژه شیرخوار معنای خاص تر دارد و صرفاً به دوره شیرخوارگی کودک گفته می‌شود. نوزاد نیز به دوره‌ی شیرخوارگی و اندکی پس از آن اطلاق می‌شود.<sup>۲</sup> در نظام‌های حقوق گوناگون کودک با معیارهای متفاوتی تعریف شده است. در اغلب نظام‌های جدید حقوق، تعریف کودک ناظر بر سن انسان است و سن تنها عامل تمایز دهنده‌ی کودکی از بزرگسالی است ولی در فقه و حقوق اسلامی، پایان کودکی ناظر بر بلوغ فرد است که از یکسو و پدید آمدن برخی دگرگونی‌های جسمی و از

۱. عبادی، شیرین، ۱۳۸۷، حقوق کودک، نگاهی به مسائل حقوق کودکان در ایران، نشر روشنگران و مطالعات زنان، ج ۱، صص ۹-۱۶،

۲. رجوع کنید به دهخدا ذیل واژه بچه، (دهخدا، ۱۳۶۵ ص ۱۵۹، شیرخوار، کودک، نوزاد

سوی دیگر قوای عقلی، ادراکی و روانی رشد می‌یابد غالب شدن معیار ورود از دوره کودکی به بزرگسالی است و سن فقط یکی از نشانه‌های بلوغ است.<sup>۱</sup> می‌توان گفت که در همه‌ی نظام‌های حقوقی شرط پایان یافتن دوره کودکی رسیدن به مرحله‌ای از رشد جسمی همراه با رشد عقلی است. در حقوق ایران نیز کودک به کسی اطلاق می‌شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و سن بلوغ پسر ۱۵ سال تمام قمری و سن بلوغ دختر ۹ سال تمام قمری. در فقه اسلامی کودک به ممیز و غیر ممیز تقسیم می‌شود کودک ممیز کودکی است که خوب و بد، نفع و ضرر را از هم بازشناسد و اجمالاً از داد و ستدها و معاملات سر در بیاورد.<sup>۲</sup> در حقوق ایران مطابق نظر مشهور در فقه امامی کودکان تا هفت سالگی غیر ممیز و پس از آن ممیز قرار داده می‌شوند.<sup>۳</sup>

### ۳-۱- تاریخچه حمایت از کودکان بی سرپرست

گسیختگی خانواده و نیز عوامل مختلف دیگر در جامعه ایران خانواده‌های زیادی را با بی سرپرستی کودکان روبه رو ساخته است. ناسازگاری والدین خاصه وقتی منجر به جدایی و طلاق شود، آسیب پذیری فرزندان را افزایش می‌دهد. از دست دادن والدین با یکی از آنها خانواده را دچار نقص می‌کند و آنگاه که خانواده‌ی گسسته تداوم زمانی پیدا کند تأثیرات منفی بیشتری بر کودکان داشته، زمینه را برای بروز آسیب‌های اجتماعی مختلف مهیاتر می‌کند در واقع ما به خوبی ریشه هر نوع رفتار ضد اجتماعی کودکان را نیز در آسیب‌های خانوادگی می‌بینیم. کودک بی سرپرست ممکن است یک یا تمام افرادی را که حضور فیزیکی آنان در تأمین نیازهای مادی و معنوی او تأثیر دارند از دست دهد، یا اینکه فوت یکی از والدین توجه دیگران را کاهش داد و یا به هیچ رساند. مرگ پدر، ازدواج مجدد مادر و عدم پذیرش ناپدری، مرگ مادر و حضور نامادری، در مشکلات ارتباطات عاطفی میان کودک و نامادری و نیز اعتیاد پدر و بی تفاوتی مادر و بستگان را می‌توان نمونه‌هایی از علل بی سرپرستی قلمداد کرد. گاهی حضور فیزیکی هریک از والدین یا هر دو آنها به خودی خود کودک را بی سرپرست می‌کند. پدر و مادر لاقید یا والدینی که بر اثر اختلافات بین خود، خانواده را به کانونی از نامهربانی‌ها تبدیل می‌کنند به طوری که کودک دائماً در معرض فشارهای روانی و استرس قرار دارد، یا والدینی که به فکر

۱. امامی، سیدحسین، ۱۳۷۱، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۵، ص ۲۴۵-۲۴۴.

۲. حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۹ق، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، چاپ شیرازی، ج ۷، ص ۳۰۶.

۳. عبادی، شیرین، منبع پیشین، ص ۱۴۴-۱۴۳.

مال اندوزی بوده و برای کودکان اهمیت قائل نیستند از این قبیل اند. این کودکان در عین حال که سرپرست دارند بی سرپرست هستند.

با توجه به مطالب فوق، بی سرپرستی طیف وسیعی از کودکان را در بر می گیرد، به طوری که گاه حوادث و مسائل و مشکلات والدین را از کودکان دور می کند و یا والدین با قرار دادن کودک خویش در کنار خیابان یا مساجد و اماکن متبرکه تعمداً بی سرپرستی به وجود می آورند و گاه کودک با گریز از خانه و کاشانه خود موجب بی سرپرستی خویش می شود. عواملی که باعث می شوند کودکان از طریق خانواده و یا سایر مراجع ذیصلاح در مراکز شبانه روزی مورد پذیرش و نگهداری قرار گیرند عبارتند از: «حوادث و بلاهای طبیعی از قبیل سیل، زلزله، قحطی، خشکسالی، گرسنگی، بیماری های واگیردار و مرگ و میر طبیعی والدین که بر اثر آن تعدادی از کودکان، والدین و اقوام خود را از دست می دهند. در مورد این قبیل عوامل مسامحه ای، می توان گفت که وقوع آنها اجتناب ناپذیر است و پیشگیری و کنترل آنها تقریباً از قدرت و توانایی بشر خارج می باشد. حوادث و عوامل غیر طبیعی که بیشتر در قالب عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی ظاهر می شوند، به شرح زیرند: مجهول المکان بودن والدین، طلاق و جدایی والدین از یکدیگر، ترک خانواده توسط پدر اعتیاد والدین یا یکی از آنان، عدم صلاحیت اخلاقی و اجتماعی والدین یا یکی از آنها، بیماری صعب العلاج والدین، فقر، مفقود الاثر بودن والدین، وجود نابسامانی، آشفتگی و ناسازگاری در خانواده، خیانت والدین نسبت به یکدیگر، اختلاف اعتقادی و طبقاتی والدین با یکدیگر، کثرت فرزندان خانواده، ازدواج مجدد والدین، و وجود ناپدیری یا نامادری در خانواده، زندانی بودن والدین یا یکی از آنها، محل زندگی و مسکن نامناسب، فرار کودکان از خانه به لحاظ داشتن خانواده خشن، مستبد و بی ثبات، طرد و رها کردن کودکان در مجامع و معابر عمومی، عوامل مزبور به لحاظ عدم کارکرد و انجام درست و صحیح وظایف خانواده و اجتماع در قبال خود و یکدیگر بروز می کنند. در میان عللی که اشاره شده عدم احساس مسئولیت در مقابل کودک عمده ترین عامل به شمار می رود. به طوری که در گذشته تعداد زیادی از پذیرفته شدگان در شبانه روزی ها را کودکانی تشکیل می دادند که والدین و یا بستگانی نیز داشتند، لکن شناخت غلط از ارزش ها، این کودکان را راهی پرورشگاه که چون فراموشخانه می نماید کرده بود. مسائل اجتماعی مانند فقر، بیماری، و بی سرپرستی، بیکاری، فحشاء، بردگی و.. همواره در تاریخ زندگی انسان ها وجود داشته است. مشکل کودکان بی سرپرست نیز دارای تاریخچه ای بسیار طولانی بوده و بی شک از زمانی که بشر زندگی اجتماعی اختیار کرده، با این معضل نیز روبه رو بوده است. لیکن موضوع اصلی چگونگی و نحوه

برخورد و رسیدگی جامعه به آنها است روند تاریخی - روانی ایجاد می‌کند. در ذیل به تاریخچه حمایت از کودکان بی سرپرست در جهان و ایران می‌پردازیم.

### ۱-۳-۱- تاریخچه حمایت از کودکان بی سرپرست در اسناد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

تا قرن ۱۳ میلادی، نشانه‌ای که حاکی از وضعیت قانون کلی و مشخص پیرامون حمایت از ایتام باشد، موجود نیست. مسئله حمایت از کودکان بی سرپرست همانند دیگر مشکلات فراوان دوران کلیسایی، دستخوش اوضاع آشفته‌ای بود. طی قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی، بی توجهی به کودکان و نتیجتاً رها کردن آنها امری عادی بود و بسیاری از آنان مورد غفلت قرار می‌گرفتند، به بردگی فروخته می‌شدند، یا در صومعه‌ها در یتیم خانه‌ها رها می‌شدند. این نوع برخورد با کودکان تا قرون ۱۷ و ۱۸ ادامه داشت. نخستین قانونی که موضوع کودکان بی سرپرست در آن تاکید شده بود در آغاز قرن ۱۷ میلادی تحت عنوان «قانون فقرای الیزابت اول» در انگلیس اجرا شد. ویژگی دوران پس از رننس، تغییرات فراوانی را در ساخت خانواده‌ها پدید آورد. با شکل‌گیری نهادها و مؤسسات اجتماعی - رفاهی که به جهت ارائه رفاه اجتماعی به وجود آمده بودند، خود به خود حجم زیادی از وظایف تربیتی خانواده‌ها کاهش یافت و به همراه مشکلات اجتماعی دیگر نظیر پیشرفت صنایع و تکنولوژی، افزایش جمعیت، کاهش مرگ و میر کودکان به لحاظ بهبود بهداشت در سطح جهانی، جنگ‌های مختلف، وضعیت کودکان بی خانمان را با شدت حادثری نشان داد و نتیجتاً با نزول امکانات جوابگویی به مسائل کودکان بی سرپرست، زنان بی سرپرست و... از رد پای قرن هجدهم با مشکلات عمیق ناشی از ضایعات اجتماعی - اخلاقی گروه‌های آسیب پذیر مواجه شد. پس از رو در رویی غرب با بحران‌های یاد شده، هریک از کشورها متناسب با امکانات و ویژگی مسئله در صدد برآمدند مؤسسات و نهادهائی به منظور کمک به کودکان بی سرپرست ایجاد کنند. تاریخ قرون اخیر در این کشورها و به خصوص انگلستان، نشان دهنده تلاشهایی است که به صورت محله‌ای یا در سطح کشورها برای حل مشکلات به عمل آمده است. نخستین مؤسسه حمایتی مخصوص کودکان بی سرپرست، در سال ۱۷۴۰ میلادی در آمریکا ایجاد شد. این دارالایتم از نظر تاریخی، در اروپای صنعتی می‌تواند جزو نخستین مراکز حمایتی ایتام باشد. مؤسسه نگهداری از کودکانی را بر عهده داشت، که غالباً به علل فوت، چ‌دایی، فقر و خودداری از مسئولیت در پرورش و نگهداری از طرف والدین بی سرپرست بودند. تاریخ اجتماعی فرانسه نیز، دارای تجربیات غنی و

آکادمیک در خصوص تأمین اجتماعی کودکان بی سرپرست می‌باشد. در ابتدا، در کشور فرانسه مراکز پرورشگاهی به وقوع یافت می‌شد و کودکان بی سرپرست در زمره‌ی افرادی بودند که در این گونه مراکز نگهداری می‌شدند و کم‌کم شکل کمک‌های اجتماعی تغییر یافت و دولت ضمن نگهداری این کودکان به طور شبانه روزی، با توجه به اصول کلی تأمین اجتماعی، هم خود را بر حفظ بافت خانواده و نهایتاً پرورش ایتم در خانواده‌ها متمرکز کرد.

### ۲-۳-۱- تاریخچه حمایت از کودکان بی سرپرست در ایران

ایران قبل از اسلام، به هنگامی که جامعه در دوران خاصی از زندگی اجتماعی بوده، نسبت به سایر کشورها از فرهنگی قابل ملاحظه در آن زمان برخوردار بوده است. ایران پیش از اسلام جامعه‌ای طبقاتی بود. اشراف، کشاورزان، جنگ آوران، کارگران و پیشه‌وران هر یک طبقه‌ای را تشکیل می‌دادند. در زمان حکومت ساسانیان که تقریباً مقارن ظهور اسلام بوده کلیه خصلت‌های ارزشی طبقات جامعه حفظ می‌شد و نفوذ به طبقات دیگر غیر ممکن بود. یتیمان طبقات فقیر، نه تنها از درد یتیمی رنج می‌بردند بلکه نمی‌توانستند از امکانات اجتماعی برای پیشرفت مادی و معنوی خود استفاده کنند. با تمام تبعیضاتی که به تمام معنی درباره ایتم فقیر و ناتوان اعمال می‌شد، جامعه عاری از وجود مراکز جهت حفظ و نگهداری کودکان بی سرپرست بود و خانواده‌ها بنا بر سنت‌های دیرینه مذهبی، کودکان یتیم یکدیگر را حمایت می‌کردند. بعد از ظهور و گسترش اسلام در ایران، تعلیمات مذهبی اسلام باعث شد تا نیکوکاران هرچه بیشتر به امور مالی و معنوی محرومان بویژه ایتم، توجه کنند، و افراد خیر، موقوفاتی جهت کمک به فقرا و مستمندان هدیه کنند. در زمان شاه طهماسب صفوی، پرورشگاهی جهت سرپرستی ایتم در کاشان تاسیس شد. فکر ایجاد پرورشگاه، پس از دوران سلطنت صفویه، در زمان حکومت قاجاریه نیز مطرح بود. در ایران آن زمان، ما به نمونه‌هایی از پرورشگاه‌های خیریه کوچک و خصوصی برمی‌خوریم که برای افراد یتیم در شهرستانهایی: مثل قم (پرورشگاه محمدی)، رشت (پرورشگاه یتیمان)، بابل (دارالایتم بابل)، تهران (پرورشگاه جعفری) و ده‌ها پرورشگاه کوچک دیگر با نظارت مردم خیر تشکیل شد، این پرورشگاه‌ها، خطرات وسیع پرورشگاه‌های بزرگ را نداشتند به خصوص که مشکلات اساسی پرورشگاه وقتی است که کودکان نوزاد از شیر خوارگی در این مراکز نگهداری شده و دور از نظام خانوادگی رشد می‌یابند. افراد نیکوکار نیز از طریق موقوفات، موجب سرعت بخشیدن در کارهای خیر می‌شدند و مراکز را به منظور پرورشگاه وقف می‌کردند. هنگامی که در سال ۱۲۹۶ شمسی جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران بنیانگذار شد، در کنار وظایفی که تشکیلات همانند

آن در سراسر جهان به عهده می‌گیرند، برای وظیفه‌های دیگری نیز در نظر گرفت که از آن جمله می‌توان به تاسیس پرورشگاه‌ها اشاره کرد. براساس اولین قانون بلدی شهرداری کشور<sup>۱</sup>، اولین دارالایتم (پرورشگاه) در سال ۱۲۹۸ شمسی در دروازه‌ی قزوین و نخستین دارالرضاعه (شیرخوارگاه) در دروازه دولت تهران ایجاد شده در سال ۱۳۲۴ شمسی بنگاه مستقل معاونت عمومی شامل بهداری تهران، تیمارستان، دارالایتم و نوانخانه در محل شهرداری تشکیل شد که این بنگاه نام دارالایتم گشایش یافته در سال ۱۲۹۸ را به «بنگاه مستقل پرورشگاه کودکان» تبدیل کرد ولی شیرخوارگاه کماکان به فعالیت خود به شکل قبلی ادامه داد. در سال ۱۳۳۲ شمسی محلی به نام بنگاه پرورش کودک نزدیک شهر ری ایجاد شد که در سال ۱۳۴۱ شمسی پس از ادغام با اولین دارالایتمی که در سال ۱۲۹۸ شمسی در تهران تأسیس شده بود سازمان تربیتی شهر تهران را به وجود آورد. در سال ۱۳۴۴ شمسی «سازمان تربیتی شهر تهران» با اساسنامه جدید تبدیل به «سازمان تربیتی شهر پایتخت» گردید. و بالاخره در سال ۱۳۴۹ شمسی شورای عالی سازمان تربیتی شهرداری پایتخت تصمیم گرفت که نام «پرورشگاه» را به «شبهانه روزی» تغییر دهد. به طور کلی، فعالیت‌های شیرخوارگاه‌ها و مراکز متشابه وابسته به جهت هلال احمر (شیر و خورشید سرخ سابق) و مؤسسات خیریه غیر دولتی، در سال‌های بعد از شهریور ماه ۱۳۲۰ آغاز شد. در سال ۱۳۳۷، مراکز رفاه خانواده نیز جهت باز توانی خانواده‌های نیازمند و بی سرپرست، تصمیم گرفت تا به جای پراکندگی خدمات رفاهی به صورت‌های مختلف، کلیه آنها را در یک مجموعه متمرکز کرد. و برنامه‌های لازم را تدوین کند لذا در سال ۱۳۴۵ دولت، گرد و برنامه ریزی تأمین اجتماعی را ایجاد کرد و به این منظور در همان سال فصل جدیدی به نام فصل تأمین و رفاه اجتماعی در قانون و برنامه چهارم کشور به تصویب رسید.

سازمان بهزیستی در سال ۱۳۵۹ تأسیس شد خدمات عمده بهزیستی شامل خدمات حمایتی (رفاهی)، توانبخشی و بازسازی و بازپروری است که از طریق مجتمع‌های حمایتی و مراکز توانبخشی و بازسازی و بازپروری به عرضه خدمات اقدام می‌کند و فعالیت‌های سازمان بر اساس دو هدف پیشگیری و حمایتی در مورد خاص ایتم و یا کودکان بی سرپرست در جریان است. سازمان برای حمایت و خودکفائی خانواده‌های بی سرپرست دارای مجتمع‌های خدمات حمایتی است که تحت نظر معاونت حمایتی سازمان بهزیستی فعالیت می‌کنند. در حقیقت، ایجاد مجتمع‌های خدمات حمایتی، خود نوعی پیشگیری از جریان ورود افراد به پرورشگاه است.

مجتمع خدمات حمایتی، به عنوان یک واحد اجرایی، چندین وظیفه حمایتی نظیر حمایت از خانواده‌های بی سرپرست، ایجاد مهر کودک، برنامه نگهداری از فرزندان بی سرپرست، آموزش فنی و حرفه‌ای، برنامه‌های ویژه نوجوانان و جوانان (فوق برنامه) و برنامه حمایتی در مورد مددجویان انجام می‌دهد. کودکانی که در مجتمع‌های حمایتی نگهداری می‌شوند بدون پدر و مادر هستند و یا افرادی می‌باشند که کسی را ندارند و هنوز وضع آنها کاملاً روشن نیست. کودکان بی سرپرستی که در شبانه روزی‌ها مستقل نگهداری می‌شوند به علل مختلف نظیر: اعتیاد و زندانی بودن و فوت والدین تحت سرپرستی قرار می‌گیرند.

#### ۴-۱- تعاریف و اصطلاحات مربوط به کودکان بی سرپرست:

##### ۴-۱-۱- کودکان بی سرپرست:

اصطلاح کودکان بی سرپرست به کودکانی اطلاق می‌شود که به علل گوناگون از حمایت، مراقبت و نگهداری مؤثر توسط خانواده محروم بوده و امکان زندگی در محیط خانواده را ندارند.

##### ۴-۱-۲- خانواده بی سرپرست:

خانواده بی سرپرست به خانواده‌ای گفته می‌شود که به طور موقت یا دائم سرپرست خود را از دست داده باشد. خانواده‌های بی سرپرست به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. افراد بدون خانواده و خانواده‌هایی که به دلیل از دست دادن سرپرست خود بدون استفاده از

حمایت‌های مالی و خدماتی، توانایی امرار معاش و گذران زندگی را ندارند.

۲. افراد و خانواده‌هایی که با وجود داشتن سرپرست، به دلیل وجود مشکلات اقتصادی و

اجتماعی، به آن درجه از آسیب پذیری رسیده‌اند که بدون پشتیبانی و کمک‌های مالی و

خدماتی قادر به تأمین حداقل نیازهای اساسی زندگی خویش نیستند.

افراد خانواده‌های بی سرپرست و نیازمند، شامل کودکان بی سرپرست و خانواده، خردسالان زیر سن

مدرسه، کودکان و نوجوانان متعلق به خانواده‌های بی سرپرست، خانواده‌های پر اولاد و کم درآمد،

خانواده‌ها و جوانان آسیب پذیر و کم بهره، و سالمندان نیازمند و بدون خانواده است.



### ۳-۴-۱- فرزندخواندگی:

فرزندخواندگی جریان اجتماعی و قانونی پدر شدن یا مادر شدن است. بعد از آنکه مردی یا زنی، یا زن و شوهری، کودکی را به فرزند می‌پذیرند، حقوق و مناسبات متقابل آنان همه‌ی پدران و مادران واقعی و کودکان آنها می‌شوند.

### ۵-۱- محل نگهداری کودکان بی سرپرست:

#### ۱-۵-۱- شبانه روزی:

به مکان بسته‌ای که مجموعه‌ای از فرزندان دور از خانواده در آن زندگی می‌کنند شبانه روزی گفته می‌شود. پرورشگاه، دارالایتام، شبه خانواده و کانون کودک نیز واژه‌های مترادف شبانه روزی اند.

#### ۲-۵-۱- خوابگاه:

خوابگاه، حکم اتاق خواب جمعی کودکان را دارد که مطالعه، استراحت، غذاخوری، و حتی پاره‌ای از بازی‌های کودکان در این اتاق که در واقع سالنی بزرگ است انجام می‌شود.

#### ۳-۵-۱- پرورشگاه:

مؤسسه‌ای رفاهی - تربیتی است که کودکان و نوجوانان بی سرپرست را از بدو تولد تا سن قانونی نگهداری و سرپرستی می‌کنند.

#### ۴-۵-۱- مهد کودک:

مؤسسه‌ای برای نگهداری، پرورش جسمانی، عقلانی، روانی و اجتماعی کودکان سالم از نوزادی تا سن ورود به کودکستان است. در مهد کودک، مربی کودک، مشاور روانی، مشاور اجتماعی یا مددکار اجتماعی و کارشناس تغذیه و مشاور بهداشتی و پزشکی با یکدیگر همکاری دارند.

### ۵-۱-۵- کانون اصلاح و تربیت:

کانون اصلاح و تربیت مرکزی است که نگهداری، تهذیب و تربیت اطفالی را که حسب مقررات قانون توسط دادگاه کودکان بزهکار به آن سپرده می‌شود به عهده می‌گیرد. این کانون دارای سه قسمت است: قسمت نگهداری موقت، قسمت اصلاح و تربیت و زندان.

کودکانی که هنوز از طرف دادگاه در مورد ایشان تصمیمی اتخاذ نشده است در قسمت نگهداری موقت مراقبت می‌شوند.

در قسمت‌های اصلاح و تربیت فرزندان، اطفالی که محکوم شده باشند طبق رأی دادگاه نگهداری می‌شوند.

### **۶-۵-۱-خانه شبانه روزی، شبه خانواده:**

نهادی اقامتی، زیستی و اجتماعی است که تحت سرپرستی و مراقبت اشخاصی مانند یک زن و شوهر یا مربیان زن و مرد که به صورت یک خانواده زندگی می‌کنند، امکان زندگی و پرورش و آموزش تعدادی کودک و نوجوان بی سرپرست را فراهم می‌کند. فلسفه‌ی تأسیس خانه شبانه روزی، ایجاد یک محیط نسبتاً طبیعی خانوادگی و برقرار کردن ارتباط‌های صمیمانه و عاطفی بین کودکان و سرپرستان (شبه پدر و مادر) است.

### **۷-۵-۱-شیرخوارگاه:**

شیرخوارگاه واحدی است که از کودکان بی سرپرست در سنین نوزادی تا پایان ۲ سالگی نگهداری و مراقبت می‌کند.

### **۸-۵-۱-خانه نوباوگان:**

خانه نوباوگان، واحدی است که سرپرستی از کودکان بی سرپرست پذیرش شده در سنین ۳ تا ۶ سالگی را بر عهده دارد.

### **۹-۵-۱-شبهانه روزی مجتمع خدمات حمایتی:**

یکی از واحدهای فعالیت مجتمع‌های حمایتی است که از فرزندان ۶ الی ۱۲ ساله به تفکیک سن و جنس نگهداری و مراقبت می‌کند.

### **۱۰-۵-۱-شبهانه روزی مستقل**

واحد مستقلی است که از فرزندان ۱۲ تا ۱۸ ساله تمام به تفکیک سن و جنس نگهداری و مراقبت می‌کند.

## ۶-۱- روندها و گرایش‌ها

با تشکیل سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۵۹، به لحاظ تاکید نظام بر حفظ بافت خانواده و حراست و حمایت از کیان آن، دولت با انواع سرمایه گذاری‌ها کوشید که فرزندان شبانه روزی‌ها با پرداخت مقرری به خانواده‌های آنان بسپارد، به طوری که جمعیت فرزندان نگهداری شده در شبانه روزی‌ها و شیر خوارگاه‌های سراسر کشور در سال ۱۳۶۴ به حدود یک هزار نفر رسید فعالیت‌های سازمان بهزیستی پس از تأسیس درسه شاخه امور توانبخشی، امور حمایتی و امور عمومی متمرکز شد. فرزندی که به نوعی از حمایت و سرپرستی خانواده محروم بوده و دارای عارضه اجتماعی بی سرپرستی بودند چون سایر افراد دارای آسیب‌های اجتماعی، تحت سرپرستی بهزیستی قرار گرفتند. سازمان بهزیستی برای حمایت از خانواده‌های بی سرپرست به ایجاد مجتمع‌های خدمات حمایتی اقدام کرده است که تحت نظر معاونت حمایتی سازمان فعالیت می‌کنند. ایجاد مجتمع‌های خدمات حمایتی، در جهت پیشگیری از ورود فرزندان خانواده‌های نیازمند و بی سرپرست به پرورشگاه است. مجتمع خدمات رفاهی سازمان چند خدمت رفاهی نظیر حمایت از خانواده‌های بی سرپرست، ایجاد و اداره مهد کودک، حرفه آموزی به افراد خانواده‌های بی سرپرست، تنظیم و اجرای برنامه برای جوانان، خدمات تولیدی، اجتماعی، مددکاری و ایجاد و اداره شبانه روزی برای نگهداری کودکان یتیم را انجام می‌دهد. سیاست اصلی سازمان بهزیستی در خصوص کودکان بی سرپرست، سپردن آنان به خانواده‌ها و یا بستگان و حمایت آنها از این طریق است با وجود این در مورد کودکان فاقد خانواده، فاقد سرپرست خویشاوندان نزدیک و خانواده‌های داوطلب، سازمان با ایجاد شبانه روزی در مشکل شیرخوارگاه، شبانه روزی مجتمع خدمات حمایتی، شبانه روزی مستقل و شبه خانواده به نگهداری، حمایت، تربیت و رسیدگی به وضعیت زندگی این افراد پرداخته است.

سازمان بهزیستی کشور به عنوان سازمانی حمایتی در تنظیم و اجرای برنامه‌های مربوط به سرپرستی فرزندان بی سرپرست در کشور فعالیت و نظارت کامل دارد. در حال نگهداری، سرپرستی و مراقبت از کودکان و فرزندان فاقد سرپرست تحت شش الگوی سرپرستی به شرح زیر صورت می‌گیرد.

- ❖ انتقال به خانواده خودی، بستگان نسبی و سببی داوطلب و فرزندخواندگی.
- ❖ شبه خانواده یا کودک پناه.
- ❖ شیرخوارگاه و خانه نوباوگان.
- ❖ خانه کودکان و نوجوانان.

❖ خانه فرزندان.

❖ خانه موقت کودکان و نوجوانان.

روش‌های چون فرزندخواندگی استفاده از افراد و خانواده‌های داوطلب و واجد شرایطی که برای پذیرش و نگهداری یک یا حداکثر دو نفر از فرزندان سازمان اعلام آمادگی می‌کنند، در اولویت اول قرار دارد فرزندان تحت سرپرستی آنان به مراتب، آینده و آتیه بهتری در قیاس با فرزندان شبانه روزی‌ها یا خانه فرزندان خواهند داشت. برای اثبات این نظر حداقل برای کارشناسان و افراد ذیصلاح نیاز به استدلال و تحقیق نیست. شبه خانواده و خانه فرزندان برای اولین بار پس از وقوع انقلاب اسلامی به عنوان یک روش نگهداری از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در جامعه ما مطرح شد و مورد استفاده قرار گرفت. با وجود این شیوه‌ای طولانی در جهان دارد مثلاً قدمت آن در امریکا بیش از ۷۰ سال است. به طور خلاصه روند تغییرات پس از انقلاب را می‌توان به شرح زیر مطرح کرد:

❖ کاهش تعداد فرزندان در واحدها و گرایش به سمت خانواده از نظر تعداد و گشودن باب عاطفی با بستگان.

❖ ترخیص الزامی پسران از سنین سربازی و ترغیب دختران به استقلال از راه ازدواج و اشتغال.

❖ افزایش حمایت‌های جانبی از فرزندان جهت زندگی در خارج از محیط شبانه روزی.

❖ تبدیل خوابگاه‌های بزرگ به خوابگاه‌های کوچک.

با این طرز تلقی سیر تحول پرورشگاهها از واحدهای ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفری و گاهی بیشتر به مراکز کوچک تر تغییر شکل داد و با تأسیس شبه خانواده‌ها و اسکان کودکان در گروه‌های ۱۵ تا ۳۰ نفری و نیز اسکان گروه‌های ۵ تا ۱۰ نفری از کودکان در مجتمع‌های خدمات حمایتی زمینه شناخت و ایجاد ارتباط هرچه بیشتر کودکان با کانون خانواده فراهم گردید. از طرف دیگر، با اهمیت دادن به مسئله حضانت و سپردن تعداد بسیاری از کودکان به خانواده‌ها از تجمع در پرورشگاه‌ها کاسته شد و این در حالی که کودکان با رسیدن به مرحله نوجوانی و جوانی و پیش آمدن ازدواج و اشتغال و نهایتاً کسب استقلال‌ها از واحدهای شبانه روزی خارج می‌شوند و این خود زمینه‌ای وسیع برای سیر نزولی تعداد کودکان در این گونه مؤسسات بود. نکته بسیار با اهمیتی که پس از پیروزی انقلاب مورد توجه قرار گرفت ایجاد موانع برای ورود کودکان به این گونه مؤسسات بود که این مهم از طریق اصلاح ذات البین، توجه و تشریح مسائل و مشکلات پرورشگاه‌ها با کمک وسایل ارتباط جمعی از جمله درج مقالات مفید در روزنامه‌ها، تهیه و اجرای برنامه‌های مناسب و هشداردهنده در صدا و سیما و بالاخره در پاره‌ای موارد

کمک‌های مالی به خانواده‌ها، که همه این اقدامات در جهت دوام و بقای خانواده‌ها به شمار می‌روند صورت می‌گیرد. در سال ۱۳۷۳، طرح حمایت از ایتمام به درخواست و پیشنهاد جمعی از مسلمانان خیر و نودوست مقیم کشور کویت موسوم به هیئت «کافلُ الیتیم جامع الامام الحسین (ع)» با هدف کمک به ایتمام مسلمان کشورهای ایران، جمهوری آذربایجان، تاجیکستان، لبنان و افغانستان توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) به اجرا درآمد. بر اساس این طرح هریک از افراد هیئت، تکفل ۱۵ نفر از ایتمام را عهده دار می‌شوند، ایتمام پسر تا سن ۱۸ سالگی و ایتمام دختر تا قبل از ازدواج مورد حمایت قرار می‌گیرند. کمیته امداد امام خمینی همچنین اقداماتی برای شناسایی و معرفی ایتمام واجد شرایط استانهای کشور به عمل آورده است.

### ۱-۶-۱- کودکان بدسرپرست

فرزندانی که در محیط خالی از عشق و دلبستگی خانوادگی و در فضای ناامن بزرگ و تربیت می‌شوند در معرض بحران‌های عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و روحی قرار خواهند گرفت و این بحران‌ها با آنکه در ظاهر گریبانگیر همان افراد و فرزندان است اما در معنای عمیق تر و در باطن، جامعه را گریبانگیر و مبتلای خود می‌سازند. بر این اساس جامعه با چنین کودکانی مواجه است که به دور از افکار و رسانه‌های همگانی مورد کودک آزاری قرار می‌گیرند. والدین این افراد به دلیل بزهکاری، اعتیاد، سوءرفتار، بیماری صعب‌العلاج، زندانی شدن، مسائل اخلاقی و... صلاحیت خود را برای نگهداری این کودکان از دست داده‌اند. والدین این کودکان یا زندانی هستند یا معتاد که احساس مسئولیت اجتماعی ندارند. در عصر حاضر، جامعه ما و البته بسیاری از جوامع دنیا با یک دشواری و معضل بزرگی به نام کودکان بدسرپرست و یا کودکان بی سرپرست روبرو هستند کودکان بدسرپرست واقعیت تلخ جامعه هستند که به دور از مهر و محبت و تربیت والدین قرار می‌گیرند و همین دوری از مهر و محبت تأثیرات منفی زیادی روی آنها گذاشته است، زیرا انسان وقتی یک گام در جهت رشد و شخصیت خود برمی‌دارد، نیازهایی از قبیل تعلق داشتن و نیاز به تحسین و محبت دارد در حالی که کودکان بدسرپرست از این نیازها پاسخی دریافت نمی‌کنند و دچار بحران‌ها و آسیب‌هایی می‌شوند که به واسطه تزلزل در بنیان خانواده‌ها ایجاد شده و آن‌ها را قربانی خود ساخته است. در صورتی که والدین نتوانند به دلایلی نیازهای روحی عاطفی این فرزندان را تأمین کنند تأثیرات نامطلوبی را در تداوم زندگی آنها بر جای می‌گذارد و این کودکان در آینده به بزهکاری روی می‌آورند زیرا تداوم خشونت به ویژه در دوران نوجوانی پیدایش بدبینی نسبت به زندگی، پوچی و بدبختی نوجوانان را به همراه دارد که پیدایش این

روحیه زمینه را برای انواع انحراف‌ها فراهم می‌سازد و آن‌ها برای جایگزین آرامش از دست رفته خود به سمت اعتیاد، دوستی‌های خطرناک، بزهکاری و... گرایش می‌یابند. در گزارشی از کودکان کانون اصلاح و تربیت مشخص شده است که ۹۹٪ کودکان بزهکار دارای والدین زود خشم و مهاجم بوده‌اند و کودکانی که دست به خودکشی زده‌اند مورد شکنجه و آزار قرار می‌گرفتند. در این زمینه وجود کودک آزاری جسمی و عاطفی بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است. روزانه مواردی در خصوص کودکان بدسرپرست که مورد آزار جسمی و عاطفی قرار می‌گیرند گزارش می‌شود که به قاچاق مواد مخدر و فروش مواد مخدر، کارهای سخت و زیانبار، ممانعت از تحصیل، اخراج از خانه، فرار از خانه، عدم دسترسی به خدمات درمانی بهداشتی و ده‌ها معضل دیگر گرفتار و محکوم می‌شوند. یکی از آسیب‌های جدی که جامعه را تهدید می‌کند گسترش کودکانی است که به دلایل گوناگون همه وقت خود را در خیابان می‌گذرانند و از طریق تکدی‌گری، بزهکاری، شغل‌های کاذب امرار معاش می‌کنند که این معضل‌ها پیامدهای ناگواری را در آینده نه چندان دور برای جامعه در پی خواهد داشت. برای جمع‌آوری این کودکان مراکزی وجود دارد که یکی از آنها خانه‌ی سبز و ریحانه است که برای جمع‌آوری کودکان به وجود آمده است این کودکان در خیابان‌ها و چهارراه‌ها شب و روز خود را سپری می‌کنند و هر روز به تعداد آن‌ها اضافه می‌شود. آمار نشان می‌دهد تهران بیشترین کودکان خیابانی را در خود جای داده است. دو مرکز مهم مذهبی مشهد و قم و استان‌های گلستان، لرستان، فارس و خوزستان تعداد زیادی کودکان خیابانی دارند. زندگی در خیابان مشکلاتی برای کودکان ایجاد می‌کند مشکلاتی اعم از سوءتغذیه بیماری‌های مزمن گوارشی پوستی جای خواب و محل زندگی آلوده و بیماری‌های واگیردار که سایرین نیز در معرض درگیر شدن در فعالیت‌ها و موقعیت‌های خطرناک و غیرقانونی قرار می‌گیرند. استعمار جنسی و اعتیاد به مواد مخدر وابستگی هر چه بیشتر به گروه‌های قاچاق مواد مخدر از جمله مشکلات آنهاست که این وابستگی باعث بروز بیماری‌های خطرناک می‌شود. از این جهت فرهنگ خشن خیابانی از ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی این کودکان است که رفتارهای ضداجتماعی به دنبال دارد کودکی که در محیط ناسالم و بیمار رشد می‌کند بیشتر وقت خود را در خیابان‌ها و به جرم و بزهکاری گذرانده به همین جهت نمی‌تواند ارتباط اجتماعی مناسبی با دیگران داشته باشد در تمام جوامع کودکان و نوجوانان خیابانی برای ادامه زندگی به حمل و نقل زباله، شستن اتومبیل، دست‌فروشی و مشاغل غیرقانونی مانند فروش مواد مخدر مشغول‌اند این کودکان کمتر به مدرسه می‌روند و

کمتر به مراحل تحصیلی می‌رسند این کودکان به دلیل نداشتن سرپرست مناسب دیر یا زود به خیابان‌ها راه می‌یابند و زندگی خیابانی را از سر می‌گیرند.

## ۲-۶-۱- کودکان بی سرپرست

یکی دیگر از معضلات و دشواری‌های جامعه ما موضوع کودکان بی سرپرست است. کودکان بی گناهی که در شرایط خاص خانوادگی خود را از دست می‌دهند و به اجبار بی سرپرست می‌شوند. کودکان بی سرپرست به کودکانی اطلاق می‌شود که به دلایل متعدد از حمایت و نگهداری خانواده محروم بوده‌اند و امکان زندگی در محیط خانواده را ندارند. خانواده‌هایی که به طور موقت یا دائم سرپرست خود را از دست داده‌اند و از حمایت‌های مالی و خدماتی و توانایی امرارمعاش و گذران زندگی به دلیل وجود مشکلات اقتصادی اجتماعی محروم‌اند. این کودکان در مراکز شبانه روزی خوابگاه پرورشگاه مهدکودک و شیرخوارگاه‌ها نگهداری می‌شوند.

سال‌های اولیه کودکی یعنی از تولد تا ۶ سالگی مهم‌ترین دوران شکل‌گیری شخصیت است. در کشور ما با توجه به اینکه اشخاص از کودکان بی سرپرست به طور مستقیم یا غیرمستقیم نگهداری می‌کنند معمولاً زوج‌هایی که صاحب فرزند نمی‌شوند کودکی را به عنوان فرزند خوانده قبول می‌کنند اما با این حال تعداد مؤسسات نگهداری کودکان بی سرپرست در حال افزایش است کودکانی که سرپرست خود را از دست داده‌اند در درجه اول نگهداری آنها بر عهده دولت‌هاست به همین جهت مراکز دولتی سرپرستی و نگهداری آنها را بر عهده دارند و بعضی از این مؤسسات توسط اشخاص نیکوکار تأسیس شده است اما این مؤسسات رفاهی نمی‌توانند جای خالی خانواده اصلی را نزد این کودکان پر کنند، لذا به منظور حمایت و سرپرستی از این کودکان قانون فرزندخواندگی از کودکان بی سرپرست به وجود آمده است. در این راستا فرزندخواندگی به منظور سپردن کودکان بدون سرپرست از طرف بهزیستی به خانواده‌های متقاضی است که البته شرایط قانونی نگهداری از کودکان بی سرپرست را داشته باشند. کودکانی که به خانواده‌ها سپرده می‌شوند والدین یا جد پدری آنها شناخته نشده است و از طرف دیگر باید قبل از سپرده شدن به خانواده‌ها از طریق قضایی خانواده‌ها تأیید شده باشند متقاضیان در لیست نوبت قرار می‌گیرند و با رسیدن نوبت برای انتخاب فرزند به مراجع نگهداری کودکان اقدام می‌کنند و خانواده متقاضی توسط بهزیستی به دادگاه برای صدور حکم سرپرستی کودک طی صورت جلسه‌ای به والدین تحویل داده می‌شود و مراتب به دادگاه اعلام می‌گردد اما حکم سرپرستی کودک در صورت تشخیص بهزیستی مبنی بر آسیب‌پذیری کودک و نداشتن شایستگی والدین قانونی یا مراجعه والدین حقیقی کودک با هماهنگی دادگاه فسخ می‌شود. اما

کودکانی که در واقع قربانی بی تدبیری خانواده‌ها شده‌اند و تک سرپرستی ناشی از طلاق و یا ترک خانه توسط یکی از آنها عاملی است که باعث بروز پدیده بی سرپرستی کودکان شده است متأسفانه تعدادی از این فرزندان به علت رها شدن به بهزیستی کودکانی هستند که با معلولیت به دنیا می‌آیند و خانواده‌ها با توجه به شرایط سخت نگهداری فرزند معلولشان، او را رها می‌کنند. مشکلات این کودکان نداشتن احساس امنیت و برطرف نشدن نیازهای آنهاست کودکانی که در مراکز شبانه روزی هستند به دلیل جابه‌جایی‌های مکرر از خانه به خانه دیگر و از خانه به شبانه روزی و از شبانه روزی به خانه تغییر سیاست‌های مرکز نگهداری، تغییر کارمندان امکانات رفاهی و تفریحی احساس بی‌ثباتی می‌کنند. کمبود اعتماد به نفس و عدم بیان مشکلات با فرد مناسب و عدم مورد علاقه بودن از دیگر کمبودها و مشکلات روحی رفتاری این کودکان می‌باشد وجود خشونت رفتاری و بدنی در بین آنها کمبود امکانات و سلیقه‌های متفاوت آنها احساس محرومیت از خانه و خانواده باعث بروز خشونت در بین آنها شده است. با وجود یکسان بودن مدرسه کودکان عادی و شبانه روزی این کودکان در محیط مدرسه و کلاس درس در انزوا هستند این کودکان از وضعیت درسی پایین تری نسبت به کودکان عادی برخوردارند زیرا رسیدگی زیاد والدین به وضعیت تحصیلی فرزندانشان باعث شده از وضعیت مناسب تری برخوردار باشند اما این فرزندان از چنین نعمتی محرومند.

### ۳-۶-۱- زن بی سرپرست

زن بی سرپرست به زنی اطلاق می‌شود که به هر علّتی سرپرست خود را از دست داده است و عمده آسیبی که ممکن است با آن مواجه باشد، عدم تامین هزینه زندگی است. از دست دادن سرپرست تکیه‌گاه به طور دائم می‌باشد، مانند زنانی که به عقد ازدواج دائم یا منقطع در آمده و سپس به یکی از دلایل فوت شوهر، فسخ عقد، صدور حکم موت فرضی، بذل مدت و انقضای مدت در نکاح منقطع، شوهر خود را از دست داده باشند و از دست دادن سرپرست تکیه‌گاه به طور موقت می‌باشد: مانند زنانی که شوهرانشان بدلیل فشار اقتصادی مهاجرت کرده‌اند و یا متواری‌اند و یا زندانی‌اند. لذا موقتا سرپرست خود را از دست داده‌اند. هم‌چنین زنان پیر و سالخورده بی سرپرست که قادر به تأمین معاش خود نباشند نیز جزء زنان بی سرپرست محسوب می‌شوند. نه تنها به خاطر اینکه زن هستند، بلکه زن بودن در این جامعه پیامدهایی دارد که باعث می‌شود زندگی بر این طبقه از جامعه سخت بگذرد. چون زن با داشتن شوهر و فرزند که تا لحظه حیات همسرش، سختی جامعه را حس نکرده بود، یکبار بر اثر عواملی، سرپرست خانواده را از دست داده، با مشقات فراوان همراه فرزندانش درگیر